



۲۰۲۲/۰۴/۱۶



خلیل الله معروفی

"پناهندگان سفیدبخت" و "پناهندگان سیاهبخت"

جنگ بسیار بد چیز است و ازین سبب هم چیز بسیار بد است، که در پهلوی ویرانی و انهدام مادی و معنوی یک کشور، "تر و خشک" را میسوزاند. جنگ روسیه با اوکراین و یا تهاجم روسیه بر اوکراین هم ازین قاعده مستثنی نیست. چندی پیش "حامد کرزی" - اولین رئیس جمهور دست نشاندۀ امریکا - ضمن مصاحبه ای گفت، که:

«کشور اوکراین باید بکوشد خود را از منگنه تقابل شرق و غرب نجات بدهد، چون ما افغانها این تجربه را چندین دهه است، که از سر میگذرانیم...» (نقل بالمعنی)

به عقیده من اگر "حامد کرزی" در تمام عمر خود یک گپ درست زده باشد، همین است. این جنگ در آخرین تحلیل فقط تقابل جهان غرب با روسیه را نمایش میدهد؛ و روسیه درین جنگ از حمایت دو قدرت بزرگ "چین و هند" برخوردار است. این جنگ واقعاً تقابل این دو بلاک را نشان میدهد، که بار اول در بر اعظم اروپا صورت میگیرد. نتیجه جنگ هر طور باشد، برای روسیه به مثابه "آزمایش تقابل با دنیای غرب" محسوب میشود؛ چون کشور پهناور روسیه ضمن این جنگ اولین امتحان خود را در تقابل مستقیم با غرب آزمایش میکند و تجارب لازم را برای تقابلات بعدی و جدی تر در ستراتیژیهای نظامی خود میگذراند!!!

آفتی، که بر سر مردم بی گناه اوکراین نازل شده است، دل هر انسان با احساس را به لرزه می اندازد؛ و این آفت را ما افغانها "بلادیده" و "ستمکشیده" از چار و نیم دهه تجربه میکنیم....

در سراچه نظریات مؤرخ ۲۹ مارچ ۲۰۲۲ پورتال محترم "افغان جرمن آنلاین" این کامنت را خواندم، که بسیار زیاد و "تک و پتره" در دلم نشست:

«غربی ها حالا به اطفال خورد پناهنده گان اوکراینی کورس ها یا صنوف تربیه صحی و روانی تنظیم کرده اند تا از تأثیرات زخم های روانی جنگ ایشان را برهانند! در مقابل زمانیکه بر مردم بیگناه افغانستان حمله کردند، اطفال خورد را با لغت زدند و تهدید با تفنگ و به قتل رسانیدند و این دون صفتان از آدمیت و بشریت و حقوقش سخن میزنند. محکمه عساکر استرالیایی که اطفال را کشتند چه شد؟ ای دون صفتان ۳۱۹۹ ساله! بیجا نبود که در سال ۲۰۰۹ به محکمه حقوق بشر فقط به نام، نوشتم که متأسفم که اروپا و اروپائیان را شناختم و به اروپا آمدم که از زیر باران و گل و لای آورده شدم و درین اروپای غرب زیر ژاله و در گوی گاو بند ماندم، یا عدالت و راستی و یا سخن فریدریش نیچه "این دروازه های دروغ را ببندید!!!»

"جنگ اوکراین" بسا معادلات را درهم کوبید و مناسبات سیاسی بین شرق و غرب را دگرگون ساخت. مگر آنچه برای مردم آواره آسیا و افریقا - و من جمله آوارگان کمبخت و "سیاهبخت" افغانستان - مایهٔ تعجب است، اینست، که درین گیرودار و معرکهٔ "مرگ و زندگی"، در درجهٔ اول، «مس جهان غرب نمایان گشت!!!»

بلی؛ درین گیرودار، "جهان غرب" - همین "اروپا و امریکای متمدن" - عملاً ثابت ساختند، که "منافق" استند و "دوروی" و "دروغگوی" و "حیله گر" و "مزور" و به اصطلاح خودشان، با "مورال دوگانه"!!!

در قدیم، که مردان دارنده چندین زن میگرفتند، همه باهم در عین خانه و قلعه زندگی داشتند. این زنان را "انباق" یا "امباق" مینامیدند. غالباً بین امباقها همچشمی و رقابت عجیبی وجود داشت و هریکی میکوشید، خود را در دل "شوی" و به اصطلاح فیشنی‌تر، "شوهر"، شیرین بسازد. با آن هم "شوی" همه زنان خود را به یک چشم نمیدید و یکی را از دیگری یا از دیگران بیشتر دوست میداشت. از همینجا اصطلاحات نافذ "سفیدبخت" و "سیاهبخت" به وجود آمدند: - "زن سفیدبخت" به همان زنی گفته میشد، که در دل شوی، شیرین باشد.

- و "زن سیاهبخت"، آن زنی بود، که از نظر شوی افتاده بود.

میخواهم ادعای کنم، که این دو اصطلاح زیبا و گویا و سخنگوی را، که از زبان "زنان قدیم و محتشم کابلی" به خاطر دارم، میتوانم به حیث "شہکار لغتسازی" قلمداد کنم و به اثبات هم برسانم!!! "شہکار لغتسازی" ازین خاطر، که این لغات را "زنان بیسواد و قدیم کابلی" درست کرده اند و چنان زیبا و بلندبالا درست کرده اند، که هزاران "ادیب لغتساز" و هزاران "فرهنگستان ادب و زبان" باید در پیشگاهشان سر تعظیم خم کرده و اقرار کنند، که چنین خلافت از ایشان هرگز و هرگز و هرگز ساخته نیست!!!

من، که هم و غم خود را وقف مطالعهٔ "زبان عوام کابلی" کرده ام، با یک عمر تدقیق و بررسی در زمینه بدین نتیجه رسیده ام، که توده‌های بیسواد عوام از چنان "فراست جمعی" برخوردار هستند، که هزاران دانشمند زبده و متبحر، به اصطلاح شیرین عامیانه، "به گردشان هم نمیرسند!!!"

به هر حال؛ من همین دو اصطلاح گویا و قدیم کابلی را در عنوان مقاله گنجانیدم؛ و میتوانم بالوسیلہ احساس درونی خود را از "منافقت" جهان به اصطلاح "متمدن" ابراز کنم.

پیش از گذر به اصل مطلب اولاً اصطلاح زیبای دیگر کابلی را شرح میدهم، که در بالا به کار بردم؛ و پیش از آن هم این بیت زیبا و سخنگوی را در نظر میگیریم:

از «طلاگشتن» پشیمان گشته ایم

مهربانی کرده، ما را مس کنید!!!

در قدیم کسانی بودند، که "کیمیاگر" نامیده میشدند و همین "کیمیاگران" میکوشیدند، تا "مس" را با هزار فن و چل و هنر، به "طلا" مبدل بسازند. شاعری بادرده، که "کیمیاگری" را در سیاست جامعهٔ آنزمان میدید، از زبان فلز بیچاره ای به نام "مس" لب به سخن کشوده و میگوید، که:

«از طلا ساختن پشیمان شده ایم، لطف کرده ما را پس "مس" بسازید!!!»

و مراد از اصطلاح "مس خود را نمایان ساختن" چیست؟؟؟

در هر حال و با وجود سعی بلیغ و چال و هنر کیمیاگران، آخر الامر هویت اصلی فلز "مس" نمایان میشد و از همینجا زنان قدیم و معزز و محتشم کابلی مثلاً میگفتند، که:

«فلانی مس خود (خود را) نمایان ساخت!!!»

یعنی چه؟؟؟

یعنی "هویت اصلی" خود را به نمایش گذاشت!!!

تا جهان بوده است، مورال "دوگانه" و یا همان اصطلاح قدیم عربی قرآنی؛ یعنی "منافقت" بوده است. و "منافقت" خاصیت اشخاص "منافق" بود، که ظاهر و باطنشان یکی نبود. در ظاهر چیزی را می‌گفتند، که بدان اعتقاد نداشتند. قرآن عظیم الشان "منافق" را در پهلوی "کافر" ذکر میکند و در بسا موارد "منافق" را بدتر و مضرت‌تر و مخرب‌تر از "کافر" میدانند!!!

بلی؛ تا جهان بوده است، مورال دوگانه هم موجود بوده است و نمونه بارز آن را اینک در عمل "جهان غرب" به اصطلاح "متمدن" میبینیم، که از "حقوق بشر" سخن میگوید و از "حقوق زن" و از "تساوی حقوق زن و مرد" و ... مگر در میدان عمل همه ادعاهای خود را زیر پای مینهد.

در "قاموس نظری" جهان به اصطلاح "متمدن" غرب این همه مقولات بلندبالا، همان گونه، که از اقوال بزرگان ایشان نقل میشود، فریبنده به فروش میرسند؛ ولی در عمل؟؟؟

در میدان عمل مگر چنین نیست و از همه اولتر همین "جهان متمدن غرب"، ممثل "منافقت" و "مورال دوگانه" ثابت شده است؛ و مثالهای عینی و بارز و غیر قابل انکار این امر را در معامله با "آوارگان اوکراینی" میبینیم، که به حیث "پناهندگان سفیدبخت" و "پناهندگان نازدانه" پذیرفته میشوند، در حالی، که "پناهندگان کمبخت" آسیائی و افریقائی را میگذارند، که خوراک نهنگها و ماهیان بحیره مدیترانه گردند!!!

همان قسمی، که بین "نظر و عمل" اجتماعی بعضاً فرسنگها فاصله دیده میشود، درینجا نیز عملاً میبینیم و به چشم سر تماشا میکنیم، که "توبه‌فرمایان" چه میکنند:

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر میکنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر میکنند
مشکلی دارم، ز دانشمند مجلس باز پرس "توبه فرمایان" چرا خود توبه کمتر میکنند

از "توبه فرمایان غرب" - و این "اوقیهای حقوق بشر" - باید پرسید، که:

- این تبعیض در پذیرش آوارگان در چیست؟؟؟

- مگر پناهنده اوکراینی انسان برتر است؟؟؟

- چرا پناهندگان اوکراینی در نزد شما چنین "سفیدبخت" هستند؟؟؟

- و چرا پناهندگان افریقائی و آسیائی و ممالک اسلامی و "اسلام زده" پیشتان سیاهبخت و بی مقدارند؟؟؟

- مگر شما این سیاهبختان را اصلاً به حیث "انسان" و "فرزندان آدم" قبول دارید؟؟؟

وقتی این منافقت آشکارا و غیر قابل انکار "جهان غرب" و بالخاصه "اروپا" را میبینیم، میخوام همان بیت مشهور و مثل‌گونه بالا را بر زبان آورده و به جار بلند بخوانم:

از «طلاگشتن» پشیمان گشته ایم

مهربانی کرده، ما را مس کنید!!!

دیگر گوشهای مظلوم و هردم شهید ما را با مواظ دروغین و فریبنده "حقوق بشر" و "حقوق زن" و "حقوق اقلیتها" و "حکومت همه شمول" و چه و چه و چه، کر نسازید!!!

"منافق" بودید، "منافق" هستید و "منافق" خواهید مُرد!!!

والسلام و ختم كلام!!!

(خليل الله معروفى - جرمنى - دوم اپريل ۲۰۲۲)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی روی عکس کلیک کنید

